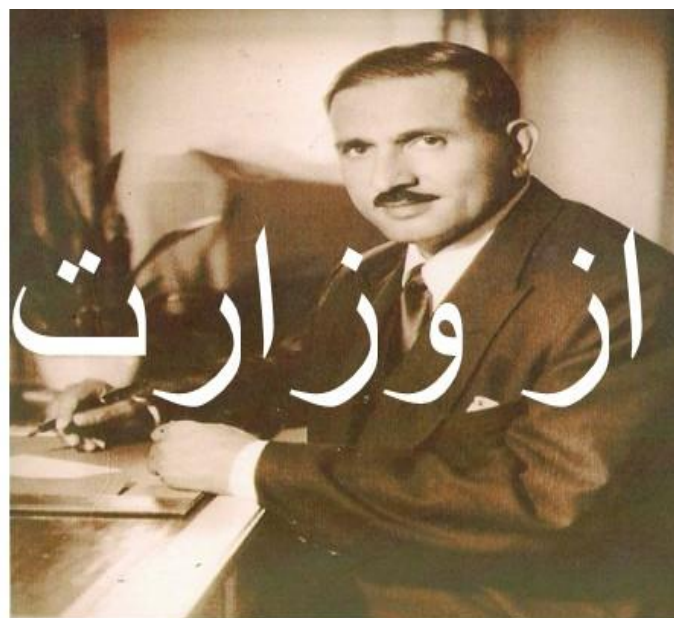


# زندندان



تا

از وزارت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



Hafizullah kalim



Hafizullah kalim

تحریر کنندہ :- حفیظ اللہ {کلیم}

ادیتور :-

این موضوعات از ۱۳۹۶/۱/۱۱ الی ۱۳۹۷/۱/۱۵ جمع آوری گردیده

مورخ :- ۱۳۹۷/۱/۲۸

مکان :- (GSM) مقام ولایت لوگر ساعت ۱۰:۵۰



جریان وظیفه در وزارت مالیه دولت جمهوری افغانستان  
زمان سردار محمد داود خان .

## مقدمه

از گذشته های دور با نشرات محدود، هر چه ثبت اوراق تاریخ شده و هر چه راویان اولی نگاشته اند، چون بیان حال و شرایط تحقیق و تدقیق آن کمتر میسر است، باید بدون درک صحت و سقم آن، بدون در نظر داشت کلیه جوانب اوضاع سیاسی داخلی و خارجی، بدون در نظر داشت چگونگی شرایط محیط، اذهان عامه، جانب داری ها و یا بر عکس آن، کذا سالم و یا نا سالم بودن روایات، مجبوراً بحیث تاریخ اش قبول کرد. اما واقعه نگاران امروزی که از یکطرف وسایل نشرات و پخش وقایع فراوان است، و از جانب دیگر از وقوع حادثات هم چندان دور نشده، کذا اسناد ثقه دست اول و قابل اعتماد از نشرات روز، منابع مختلف، روایان بیطرف و صادق میسر شده میتواند و زمینه تفکیک صحت و ثقم آن میسر است، باید صددرصد همه را مطالعه و کسب معلومات کرد، تا اثری تاریخی قابل ارزشی بوجود آمده بتواند، و هرگاه این زحمت را بخود نمی دهیم، لازم است نگارش موضوعات تاریخی را به کسانی واگذار شویم که واقعاً از عهده آن بر آمده میتوانند، و قبول زحمت می کنند، و نباید بی تمسک، به سند و بی خریطه فیر کرد .

نوشتن این چند سطر مختصر که ارائیه میشود، شاید این هم بی دلیل نباشد که چرا و توسط کی مجبور به نوشتن شده، در حالیکه از عدم آشنایی خود به شغل نویسندگی هم اعتراف میکنم .

## عبدالملک عبدالرحیم زی وزیر مالیه

عبدالملک عبدالرحیم زی (ملک خان) از چهره های بود که با داشتن استعداد و اندوخته های تحصیلاتی اش، توجه سردار داؤود خان را جلب نموده بود، این توجه و فراز آوری او در مقام وزارت مالیه، برمیگردد به هنگامی که دولت در جنگ مشهور به " جنگ صافی " با شورشیان در نبرد بود. ملک خان که در زمینه امور مواد رسانی وظایف لوژستیک را انجام میداد، توجه سردار را جلب نمود. روشن است که سردار، در زمینه انتخاب همکاران از پیشینه ها عادت داشت که کسانی را فعال و جدی و همکار تشخیص میداد به سوی فراز آوری کمک می‌رسانید. پس از چندی که از " جنگ صافی " سپری شده بود، عبدالملک خان به منظور تحصیل در رشته محاسبه و لوازم در ارتش به ترکیه رفت. با توجه به نقطه نظریات او پیرامون پلانگذاری مبتنی بر نقش حاکم دولت در سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، تصور میشود که در هنگام تحصیل در ترکیه به چنین برداشتی رسید.

هنگام بازگشت به افغانستان، در چارچوب عقاید سردار داؤود خان، به عنوان یکی از صاحب نظران این طرز تلقی، به تطبیق آن در افغانستان همت گماشت. درک دربار سلطنتی از پایگاه اقتصادی حاکمیت که همانا عمدتاً اقتصاد دولتی بود؛ و جناح سردار داؤود بیشتر بدان علاقه مند بود، باورهای اقتصادی و جدیت ملک خان را که بعد دیگری از شخصیت او بود، با گرمی مطالبه می نمود. داؤود خان پس از تلاشهایی که برای براندازی شاه محمود خان بخرچ داد، هنگام دسترسی به مقام صدارت، برای ملک خان که طی سفری در هند بود، چنین پیغام داد: " اگر نشسته ای برخیز و اگر ایستاده ای حرکت کن، وطن به خدمت ات احتیاج دارد."

سرداربا ذوق زدگی بدون انتظار چند روز که مسافرت رسمی عبدالملک خان (آن وقت مدیر لوازم وزارت حربیه)، به پایان برسد، از او میخواست که بزودی برگردد. ملک خان پس از بازگشت، سمت وزارت مالیه درکابینه ی داؤود خان را دارا شد. واین درحالی بود که وی آرزو داشت در رشته تخصصی خویش به تدریس پردازد.

اما از آنجایی که پای لزوم دید سردار در میان بود، نتوانست، در برابر امر و فرمان او عمل کند، این موضوع به ویژه در زمانی که ساختارهای دیکتاتور مآبانه حاکمیت دارند، تعجب برانگیز نیست. با توجه به ابعاد شخصیت محمد داؤودخان که نمونه یی ازین خوی وخصلت بود، و امر او تعیین کننده بود نه اراده و آرزوی دل ملک خان برای تدریس، پذیراشدن مقام وزارت را توجیه پذیر میسازد. این هم پذیرفتنی میاید که ملک خان با شنیدن طرح های سردار و سخن گفتن از پلان ها و رشد اقتصادی و مرزبندی بادوره شاه محمود خان، دلگرمی های برای پیشبرد امور وزارت مالیه یافته است.

ملک خان به وظیفه خویش در وزارت مالیه شروع نمود، هنگام دست یازیدن به پاره یی از اقدامات و تشبثات، نشان داده است که با بسا از وزرا و کارمندان زیر دست دربار سلطنتی تفاوت هایی را داراست .

به این معنی که بر مبنای اعتماد به نفس و باور به طرح ها و فعالیت اش، موضع مستقلانه نیز میگیرد.

اما این موضعگیری ویژه اش که بانیست تحقق همان برنامه ها و وعده های اند که پیشتر به او گفته شده است، تحمل دربار سلطنتی و بیش از همه دوتن سردار برادر (محمد نعیم و محمد داؤود) را بر نمی تابد. آنها حرکات وی را گونه یی فراتر بردن پای از گلیم صلاحیت دیده و با نا خوشنودی بدان مینگریستند.

هر قدر کار طرح پلانگذاری های اقتصادی دولت به پیاده نمودن آنها نزدیک شده ، این کنش و واکنش بیشتر سربرابرورد است. میتوان اذعان نمود که پس از برکناری شاه محمود خان و برچیدن بساط کوچکی از دیموکراسی، با سرکار آمدن سردار داؤود، برنامه ریزهای اقتصادی از مهمترین سیاست های دربار سلطنتی بود. پیشتر، دربار یگانه شخصی را که درین حوزه به حیث کاردان و مشاور داشت؛ عبدالمجید خان زابلی بود، که بدلیل بهره مندی از سرمایه، دوستی با سردار هاشم خان و جلب اعتماد متقابل با دربار، صلاحیت های بسیاری یافته بود. اما از آنجایی که زابلی در بافت و ساخت و جناح بندی های سرداران، موضع جانبدارانه از سردار هاشم خان و مخالفت با شاه محمود خان داشت، صحنه را ترک گفت. با وجود آنکه پس از برکناری سردار شاه محمود خان و به قدرت رسیدن جناح دوستان زابلی ، زمینه کاراومساعد شده بود اما او همچنان از تداوم نقش پیشینه در حیات اقتصادی و پلانگذاری های بعدی در افغانستان دوری اختیار نمود. بعید به نظر نمیرسد که تمایل زابلی به سرمایه گذاری های فردی نیز تأثیری در دوری گزینی وی از سیاست تقویة سکتور دولتی که داؤود خان بدان علاقمندی بیشتر داشت ، درین دوری اختیار نمودن مؤثر بوده است. سردار داؤود پس از به قدرت رسیدن ، سعی نمود تا تحرکات و موفقیت های را در زمینه اقتصادی و اجتماعی نشان بدهد. طرح های ملک خان که در راستای تحقق برنامه ی او بود، مجال تبارز یافتند .

مثلا ، ملک خان دست به تدوین قانون محاسبات عمومی و وضع قوانین مختلف مالیاتی زد. دیوان محاسبات تأسی کرد و اصلاح تشکیلات ادارات مالیه را روی دست گرفت. همچنان طرح پلانگذاری را که پنداشته بود " بر روی منابع خود" میتواند پروژه های انکشافی و زود ثمر اقتصادی و انکشاف اجتماعی و عرفانی را تأمین نماید، به مجلس وزرا ارایه کرد. یکی از منابعی که وی در کتاب " ارمغان زندان " از آن نام میبرد، چنین است : " قسمت زیاد ازین منابع

عمده مالیاتی در دست خود خاندان شاهی از جمله سردار محمد داؤود خان صدراعظم و معاون و بردارش سردار نعیم خان قرار داشت. ایشان پلان را به لیت و لعل قرار داده بالنتیجه روی بهانه های عجیب و غریب در کشوی (روک) میز مجلس عالی وزرا فرو برده شد. از مواضع بعدتروسر سختهانۀ عبدالملک خان برمیاید که با درس اندوزی از تجربه ینخستین ناسازگاری سرداران، به ویژه پس از آنکه تصدی کفالت امور وزارت اقتصاد را نیز عهده دار شد، بدون توجه به مجلس وزرا ، صدراعظم و یاشاه، کوشیده است تا کمیته های در شقوق مختلفه ی اقتصادی و مالی تأسیس نموده، پلان پنجساله را ترتیب و خیر آن را نیز طی کنفرانس مطبوعاتی به اطلاع برساند. اما صدراعظم داؤود خان از اوگله میکند. از اومی پرسد که "چرا درین مورد با من مصلحت نکردی؟" ملک خان در جواب میگوید "اینکار من است. من چرا در هر کار به شما مراجعه نمایم." سردار میگوید: "آخر این چه جواب است که به من میدهی؟ افزون بر آن ابراز تعجب و نارضایتی، سردار وزیر مالیه خویش را مخاطب قرار داده میگوید "توبه هیچ وجه نخواهی توانست این کار (پلان سازی) را به سر برسانی. ازین رو فوراً به وسیله اعلان دیگر اعلان سابق خود را باطل بساز. ملک خان با اطمینان از پیروزی و این تصور که اهل خبره را گرد آورده و با اتکاً به اصول اقتصادی رهبری شده" اکونومی در یژه " طرح خود را میتواند عملی نماید، از موضوع خود جانبداری میکند. داؤود خان مجدداً میگوید "درین وقت امکان این چنین کارها دور از پروگرام و مقدرات است. در پیامد چنین وگفت و شنود عاجل، آنهم در حاشیه دعوت سفارت عربستان سعودی (عقرب 1333 جشن ملی عربستان سعودی)، ملک خان با توجه به موضع مخالفت آمیز صدراعظم خویش، بصورت اشاره استعفاً خود را از وزارت مالیه و اقتصاد مطرح میکند. اما داؤود خان اندکی عقب نشسته چنین میگوید "آزردۀ نشو. من بهت مشورت دوستانه پیش کردم، وقتی که آنرا نپذیرفتی، چنانکه میخواستی عمل کن. نه من ونه

دیگری مانع کارهایت نخواهد شد ، آنچه در تداوم این چالش روابط وزیر و صدراعظم میاید، تکیه ی بازهم بیشتر ملک خان بر ابتکارت شخصی است. از گونه ی حرکات صدراعظم برمیاید که از احتمال پیش دستی وزیر خویش می هراسد. د رتشویش بوده است که مبادا وزیر مالیه استعفا بدهد و سخنانی زیانمند به حال او بر زبان بیاورد. بنابراین تاکتیکی عقب می نشیند. در طی مدتی که صدراعظم و وزیر در بحران روابط هستند، چندین فرمان شاهی و مصوبات مجلس وزرا نیز به ابتکار ملک خان زمینه کارکردهای او را فراهم میکنند. ملک خان در پی اقدامات بیشتر صدای شکایت آمیز خویش را به گوش شاه نیز میرساند.

بدنبال تدوین برنامه پلان اقتصادی پنجساله، باردیگر مشکل نبود منابع تمویل پروژه ها حضور میابد. صدراعظم برای تحقق وعده های بلند بالا، چشم امید بسیاری به منابع خارجی داشت. دسترسی به امکانات شوروی برای تحقق برنامه ها بسنده نبود. یکی از منابع ثروتمند که سالها توجه دربار سلطنتی را جلب نموده بود، جلب نظر ایالات متحده امریکا بود. ازین رو تلاشهای ناموفق زمان صدرات شاه محمود خان باردیگر از سر گرفته شد ، هیأتی تحت ریاست ملک خان به ایالات متحده امریکا رفت ، صدراعظم پیش از مسافرت عبدالملک خان به امریکا به وی چنین می گوید " امریکایی ها برپیشانی ما ستاره سرخ را می بینند. کاکا ها و برادران در جلب و جذب کمک های آن کشور موفق نگردیدند ، حالا وظیفه خودت است که قناعت امریکایی را حاصل نمایی ، دربرگشت هیأت از امریکا واضح شده است که دست خالی نبوده و اندک موفقیتی داشته است ، بطور مثال ازین دستاوردهای هیأت نامبرده شده است ، در اوایل سرطان 1336 ش . ( اواخر جون 1957 ) دولت امریکا مبلغ یک میلیون و ششصد هزار دالر جهت اعمار پوهنتون کابل اختصاص داد وقرضه ی پنج میلیون و هفت نیم ملک کلداری بین افغانستان و امریکا به امضا رسید ، و نیز ضمن قرارداد دیگری مبلغ یک میلیون و یک صد

PREVIEW

# You've reached the end of the preview.

---

Purchase the full book to continue reading.

**Buy this book - [ketabton.com](https://ketabton.com)**

<https://ketabton.com/books/hnb5RPnKfzj>

